

حکم سرو لابستر در جوامع اسلامی

مهديه غني زاده^{*۱}

۱- دانش آموخته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|---|
| دریافت مقاله: ۰۰/۳/۹ | مقدمه: امروزه در جامعه، یکی از آبیانی که در برخی از رستوران‌ها سرو آن رایج است، لابستر می‌باشد. این در حالی است که جواز ورود این گونه آبی به چرخه غذایی در جامعه اسلامی ما، منوط به حلیت شرعی آن می‌باشد. حال آنکه مطابق قول مشهور فقها، حلیت آبیان صرفاً منحصر به ماهیان فلس‌دار و میگو است. در نتیجه چنانچه لابستر را ماهیتی متفاوت از این گونه‌ها به شمار آوریم، به تبع آن حکم حلیت آن، طبق قول مشهور با اشکال روبروست. لذا، سرو آن در عین حرمت آن نمونه‌ای از نادیده انگاشتن احکام شرعی در جامعه اسلامی می‌باشد. |
| پذیرش مقاله: ۰۰/۳/۲۶ | روش‌ها: در نتیجه، نظر به ضرورت ویژه بررسی این موضوع، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به تبیین این امر پرداخته است. |
| کلمات کلیدی: لابستر میگو خرچنگ آبیان غیرمنصوص فقهی حلیت حرمت | نتایج: یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که ماهیت مستقل لابستر نسبت به میگو و خرچنگ، آن را در زمره آبیان غیرمنصوص فقهی قرار می‌دهد. |
| | نتیجه‌گیری: در نتیجه با توجه به حاکمیت اصالة الاباحه بر موارد غیر منصوص می‌توان بر حلیت این قسم از آبیان، حکم نمود. |

استناد (ونکور): غنی‌زاده م. حکم سرو لابستر در جوامع اسلامی. مجله پژوهشنامه حلال. بهار ۱۴۰۰؛ ۱(۴): ۱۳-۲۳.

مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین منابع تأمین پروتئین جهان، مربوط به حیوانات آبی است. نظر به ارزش غذایی بالا، این قسم از آبیان، جایگاه ویژه‌ای را در چرخه غذایی جهانیان به خود اختصاص داده‌اند. در کشور ایران علی‌رغم تنوع گونه‌های آبی، نظر به حاکمیت قوانین شرعی بر جامعه، ورود هر یک از این گونه‌ها به چرخه غذایی، منوط به حلیت شرعی آنان می‌باشد. یکی از گونه‌های آبی که در حال حاضر، سرو آن در رستوران‌های بعضی از کشورهای اسلامی رایج و فروش گوشت آن مرسوم می‌باشد، لابستر است. این در حالی است که در ارتباط با حلیت آن اقوال گوناگونی در میان فقها مطرح گردیده و حتی برخی به نحو مطلق، قائل به حرمت گوشت آن می‌باشند (۱-۲).

حال آنکه بر فرض صحت چنین قولی، رواج سرو و فروش لابستر در بعضی جامعه اسلامی می‌تواند مصداق بارزی از تعارض عرف و شرع به شمار رود؛ بنابراین بررسی حلیت یا حرمت این گونه بر مبنای آموزه‌های شرعی و تلاش در جهت رفع تعارض مزبور در فرض وجود آن، ضرورتی است غیر قابل انکار. در نتیجه، نظر به ضرورت بررسی مسئله و عدم تبیین آن از سوی پژوهشگران، پژوهش حاضر تلاشی است در جهت دستیابی به قول راجح فقهی در این مسئله می‌باشد.

لابسترها سخت پوستانی در اندازه‌های متنوع می‌باشند که گاه بسیار کوچک و گاه اندازه آنان به ۶۰ سانتی‌متر نیز می‌رسد. این گونه از آبیان بدنی استوانه‌ای شکل یا مسطح دارند. ساختار بدنی محافظت کننده در آنان متشکل از

* نویسنده مسئول: مهديه غني زاده، آدرس پست الکترونیکی: mahdiye_ghanizade@yahoo.com، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۵۱۸۴۰۶

¹ Lobster

معادل عربی کلمه لابستر یعنی «ام الروبیان» در کتب فقهی به بررسی حکم سرو این گونه از جانوران پرداخته شد. از سوی دیگر با توجه به عدم تصریح به این گونه در متون شرعی، حکم مسئله به واسطه الحاق آن به موارد غیرمنصوص^۲ شرعی استخراج گردید.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که اولاً مطابق داده‌های علم جانورشناسی، لابستر، گونه‌ای مستقل از میگو و خرچنگ به شمار می‌رود. ثانیاً با توجه به عدم تصریح به این گونه آبی در متون شرعی، حکم آن به واسطه اصل حاکم بر موارد غیرمنصوص شرعی استنباط گردید و در این راستا با توجه به حاکمیت اصالة الاباحه بر موارد غیرمنصوص به حلیت این قسم از آبزیان حکم گردید.

بحث

مقایسه لابستر، خرچنگ و میگو

به‌منظور مقایسه بهتر لابستر، میگو و خرچنگ، ابتدا به بررسی رده‌بندی آنان در علم جانورشناسی می‌پردازیم. رده بندی لابستر: سلسه جانوران، شاخه بندپایان، زیر شاخه سخت پوستان، رده سخت پوستان عالی (نرم صدفان)، فوق راسته اوکاریدا، راسته ده پایان، خانواده Palinuridae، جنس پانولیروس(۵).

رده‌بندی خرچنگ: سلسه جانوران، شاخه بندپایان، زیرشاخه سخت پوستان، رده سخت پوستان عالی (نرم صدفان)، زیر رده سخت پوستان عالی حقیقی، فوق راسته خرچنگ‌های حقیقی، راسته ده پایان، زیر راسته پلئوسیماتا، مادون راسته شکم کوتاهان(براکیوار)(۶).

رده‌بندی میگو: سلسه جانوران^۳، شاخه بندپایان^۴، زیر شاخه سخت پوستان^۵، رده نرم صدفان^۶، راسته ده پایان^۷، زیر راسته

کیتین است و در حالی که رشد می‌کنند پوست اندازی نیز انجام می‌دهند. دارای شکمی با شش قطعه متحرک و بادبزن انتهایی دم بوده و اغلب روی سر یا سپر پشتی آنان خارها و برجستگی‌هایی به چشم می‌خورد. لابسترها، برخلاف پستانداران دارای خون آبی رنگ هستند این به این خاطر است که خون آنها دارای مقادیر زیادی مس است. چشمان این قسم از آبزیان، متحرک است و می‌تواند درون حدقه، حرکت نماید. در ناحیه قدامی سپر پشتی در آنان، یک جفت شاخک اولیه و ظریف و یک جفت شاخک ثانویه و بزرگ به چشم می‌خورد. همچنین بدن این موجودات، شامل پنج جفت پا می‌باشد که سه جفت اول مجهز به پنجه هستند. ضمائم شکمی آنان کوتاه، دو شاخه، برگی شکل و نرم است که به آنها پاهای شکمی، گفته می‌شود(۳).

این گونه از آبزیان به طور کلی در سه گروه شاه میگوهای حقیقی، شاه میگوهای پهن و شاه میگوهای خاردار در سرتاسر جهان، پراکنده می‌باشند(۴).

در عربی بر این قسم از جانداران، ام الروبیان و در فارسی شاه میگو و یا خرچنگ دراز اطلاق می‌گردد. نکته قابل توجه اینکه اطلاق شاه میگو و خرچنگ دراز بر این قسم از آبزیان گاه توهم میگو یا خرچنگ بودن آن را نزد عرف به همراه می‌آورد. حال آنکه بررسی این مسئله که آیا از حیث جانورشناسی نیز لابستر، نوعی میگو یا خرچنگ به شمار می‌رود، یا آنکه گونه‌ای مستقل از این دو قسم می‌باشد، نیازمند مقایسه دقیق این سه گونه بر مبنای داده‌های علم جانورشناسی است؛ بنابراین در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

روش کار

با توجه به تسامح عرفی در رابطه با ماهیت لابستر و الحاق عرفی آن به میگو یا خرچنگ، در این پژوهش ابتدا از حیث جانورشناسی، مقایسه‌ای میان سه گونه لابستر، خرچنگ و میگو صورت پذیرفت. سپس به واسطه جستجوی

⁵ Crustacea

⁶ Malacostraca

⁷ Decapoda

^۲ موارد غیرمنصوص: مواردی که در شرع، ذکری از آن نیامده است.

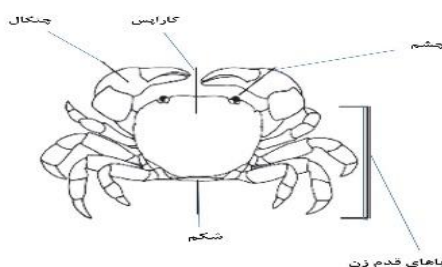
³ Animalia

⁴ Arthropoda

و آخرین زائده در انتهای بدن به دو جفت اوروپود^{۱۳} و قطعه‌ای کمانی به نام تلسون^{۱۴} بدن ختم می‌شود. اوروپودها و تلسون با یکدیگر دم بادبزی یا باله دم^{۱۵} را تشکیل می‌دهند که وظیفه آن، کمک به شنای جانور است.

مقعد در ته‌بند قرار می‌گیرد. جانور از دم‌چتر خود برای دُم‌زنی استفاده می‌نماید که حرکتی فوری برای فرار از صحنه پرخطر است (۸). حال علی‌رغم شباهت‌های مذکور که در آناتومی خرچنگ، میگو و لابستر به چشم می‌خورد، هر یک از این گونه‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارد. به‌عنوان نمونه لابسترها به شکل استوانه‌ای با چنگال‌های حجیم می‌باشند. میگوها، استوانه‌ای و باریک و خرچنگ‌ها، بدنی گرد با چنگال‌های بزرگ و دم کوتاه دارند. از حیث اندازه، لابسترها معمولاً در اندازه ۲۰ سانتی‌متر و بالاتر می‌باشند. میگوها در اندازه ۲/۵ تا ۱۰ سانتی‌متر یافت می‌شوند و خرچنگ‌ها در اندازه ۵ تا ۱۵ سانتی‌متر. از حیث مزاجی، لابسترها و خرچنگ‌ها، خویی تهاجمی و خشونت‌آمیز دارند، در حالی که میگوها، جاندارانی آرام می‌باشند (۹). از حیث زیستگاه، لابسترها در آب‌های شور، میگوها در آب‌های شور و شیرین و خرچنگ‌ها در خشکی، آب‌های شور و شیرین یافت می‌شوند. در نهایت، از منظر عادات غذایی، هر سه گونه آبزی، همچون اغلب ده پایان، شکارچی و مردارخوار محسوب می‌گردند. برخی از آنها از جلبک‌ها تغذیه می‌کنند، علاوه بر آن خرچنگ‌های خشکی، میوه و برگ نیز می‌خورند (۹).

جهت مقایسه بهتر ساختار بدنی این سه قسم از آبزیان در ادامه، در اشکال (۱)، (۲)، (۳) تصویر هریک ارائه می‌گردد.



شکل ۱. خرچنگ

آبشش منشعبان^۸، خانواده پنائیده^۹، جنس پنئوس^{۱۰} می‌باشد (۷).

چنانچه ملاحظه می‌گردد، اگرچه هر سه گونه در ویژگی‌هایی چون بندپا و سخت پوست بودن، وجه اشتراک دارند، اما رده‌بندی متفاوت آنان در علم جانورشناسی، هر یک را ذیل گونه‌ای مستقل و مجزا، تعریف می‌کند. در نتیجه همان‌طور که به واسطه چنین اشتراکاتی نمی‌توان میگو را نوعی خرچنگ محسوب نمود، به همان نحو نمی‌توان گفت لابستر، نوعی میگو یا خرچنگ به شمار می‌رود. اما از حیث ساختار بدنی و آناتومی، در این سه گونه آبی، شباهت‌های بسیاری به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، بدن تمامی سخت پوستان اعم از خرچنگ، میگو، لابستر با پوسته بیرونی سفت و سختی متشکل از کلسیم و کیتین پوشانده شده است. ساختار بدنی ده‌پایان (اعم از خرچنگ، میگو و لابستر) به‌عنوان شاخه‌ای از سخت پوستان، متشکل از شکم، قفسه سینه و سر می‌باشد. سر و قفسه سینه به واسطه ساختاری سپر مانند به نام کاراپاس^{۱۱}، پوشیده می‌شود. سر و قفسه سینه با هم سفالوتوراکس نامیده می‌شوند. در سر این جانداران، دهان و دستگاه‌های حسی چون چشم‌ها، آنتن‌ها و... قرار دارد. در این قسم از آبزیان، چشم‌ها، روی پایک‌های چشمی قرار دارد. به بخش انتهایی آرواره که به‌عنوان حس‌گر، عمل می‌کند، شاخک حسی گفته می‌شود. چنانچه از عنوان ده پا بر می‌آید، این قسم از جانداران دارای پنج جفت پا می‌باشند. در اغلب آنان، اولین جفت پا اکثراً به چنگال‌های بزرگ تغییر شکل پیدا می‌کند که به آنها کلیپد می‌گویند. در قسمت جلوی پاهای اصلی سه جفت زائده کوچک قرار دارد که در حمل غذا مورد استفاده قرار می‌گیرند که به آنها ماگسی لیپد^{۱۲} گفته می‌شود، ماگسی لیپد و پنج جفت پا، زائده‌های قفسه سینه به شمار می‌روند. در این جانداران، شکم بزرگ است و دارای شش جفت زائده دو طرفه است. شناگران یا پلئوپودها پنج جفت اول را تشکیل می‌دهند

¹² Maxillipeds
¹³ Uropods
¹⁴ Telson
¹⁵ Fan tail

⁸ Dendrobranchiata
⁹ Penaeidae
¹⁰ Penaeus
¹¹ Carapace

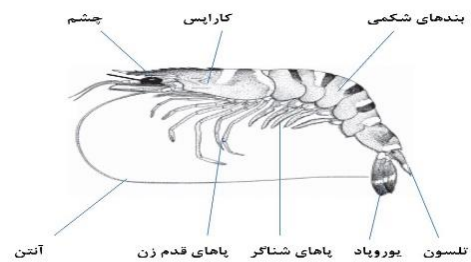
خاص و کارشناسان دانسته‌اند؛ بنابراین رجوع به صیادان را در این مسئله کافی می‌دانند (۱۲).

در پاسخ باید گفت، بنابر آنچه ذکر گردید، از حیث جانورشناسی لابستر، نوعی میگو یا خرچنگ به شمار نمی‌رود، تا حکم حلیت میگو یا حرمت خرچنگ بر آن بار گردد، بلکه گونه‌ای مستقل از آبزیان محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعیین حکم تغذیه از گوشت جانداران را می‌توان عادات غذایی جاندار به شمار آورد؛ چراکه قطعاً چنین امری بر کیفیت گوشت جاندار مؤثر است. آنگونه که فقها، خوردن نجاست از سوی حیوان را در تعیین حکم تغذیه از گوشت دانسته‌اند (۱۳، ۱۴). این در حالی است که چنانچه ذکر گردید، عادات غذایی این سه گونه آبی تقریباً مشترک بوده و مردارخواری نیز در میان هر سه رایج است؛ بنابراین نمی‌توان بر این مبنا بر حرمت تغذیه از یکی و حلیت سرو دیگری حکم نمود.

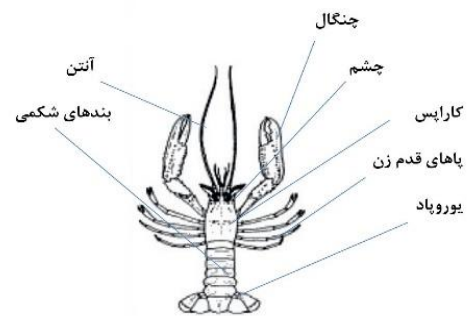
حال با توجه به عدم تصریح متون شرعی به حکم سرو این قسم از آبزیان، لازم است حکم شرعی به واسطه اخذ به اطلاعات و عمومات و در فرض عدم آن به مدد اصول عملیه، استنباط گردد. در این میان، فقها در بحث آبزیان در ارتباط با موارد غیرمنصوص شرعی به نحو کلی به دو گروه تقسیم شده‌اند، مشهور فقها، احتیاط را در پیش گرفته و اصالة الحظر^{۱۸} را حاکم دانسته‌اند (۱۴-۲۵)، و در مقابل، گروهی دیگر، اصالة الاباحه را بر این بحث، حاکم می‌دانند (۲۶-۲۹). بنابراین دستیابی به قول راجح در این مسئله در گرو واکاوی دقیق ادله هر یک از این دو قول می‌باشد که در ادامه بحث به تبیین آن پرداخته خواهد شد.

مستندات حاکمیت اصالة الحظر بر موارد غیرمنصوص آبی

چنانچه ذکر گردید، مشهور فقها در بحث آبزیان، حکم حلیت را صرفاً مختص به مواردی دانسته‌اند که بر جواز خوردن آن در شرع، تصریح گردیده باشد و در غیر این موارد،



شکل ۲. میگو



شکل ۳. لابستر

دیدگاه‌های فقهی در رابطه با حکم سرو لابستر

یکی از گونه‌های غیرمنصوص شرعی که با توجه به رواج عرفی سرو آن، اقوال مختلفی در رابطه با آن از سوی فقها مطرح گردیده است، لابستر یا شاه میگو (ام الروبیان) می‌باشد. در حالی که در کلام فقهای متقدم، ذکری از این گونه آبی به چشم نمی‌خورد، فقهای معاصر در رابطه با آن عمدتاً سه قول را مطرح نموده‌اند. برخی چون آیت الله سیستانی^{۱۶} (۱)، و آیت الله تبریزی (۲)، صراحتاً خوردن آن را حرام دانسته‌اند. ایشان دلیل این امر را عدم دخول این قسم از آبزیان در عناوین حلال دانسته است (۲). گروهی دیگر از فقها، به نحو مطلق، خوردن آن را حلال شمرده‌اند (۱۰)، و در نهایت، برخی صراحتاً در این مسئله، فتوا نداده، بلکه بر این عقیده‌اند که حکم مسئله، تابع صدق موضوع از دیدگاه عرف می‌باشد. بنابراین چنانچه در عرف بر آن میگو اطلاق گردد، حلال و در صورتی که به آن خرچنگ گفته شود، حرام خواهد بود^{۱۷} (۱۱-۱۲). ایشان مراد از عرف را در این موضع، عرف

^{۱۷} استفتاء از دفتر معظم له.

^{۱۸} اصالة الحظر: اصل ممنوعیت.

^{۱۶} با توجه به نو ظهور بودن مسئله، فتوای ایشان در کتب فقهی ایشان یافت نگردید؛ بنابراین ناچار به رجوع به استفتانات جدید ایشان در وب سایت رسمی این مرجع گردیدیم.

حکم حرمت را ثابت شمرده‌اند. برخی از ایشان در اثبات مدعای خویش، به این قول، ادعای اجماع نموده‌اند (۱۸، ۳۰-۳۱). این در حالی است که اولاً تحقق چنین اجماعی با توجه به وجود قول مخالف در این زمینه با اشکال روبه‌رو است (۲۷). ثانیاً در فرض تحقق، با توجه به نصوص و ادله لفظی دال بر این امر، مدرکی و فاقد ارزش مستقل می‌باشد (۲۹).

برخی دیگر به منظور اثبات این مدعا بر این عقیده‌اند که عمومات دال بر حرمت میت، حیوان آبی صید شده از دریا را نیز دربرمی‌گیرد، از آن جهت که وقتی روح از بدن جاندار، خارج گردد بر آن میت و مردار، صدق می‌کند. در نتیجه از این عمومات صرفاً مواردی خارج است که از سوی شرع، دلیلی صریح بر حلیت آنان وجود داشته باشد (۱۴، ۲۳).

در پاسخ به این استدلال باید گفت، اولاً مردار صرفاً بر حیوانی، اطلاق می‌گردد که به مرگ طبیعی مرده باشد، یا اینکه روح بدون تذکیه از بدنش خارج شده باشد. بنابراین در فرض وقوع تذکیه، عنوان میت بر آن صدق نخواهد کرد (۲۷). ثانیاً تمسک به عمومات حرمت میت به منظور اثبات حرمت آبزبان، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌باشد؛ چراکه احراز عنوان میت در حیوانی که از آب گرفته شده، امری مشکوک است، در نتیجه تمسک به عمومات برای اثبات حرمت آن ممکن نیست.

برخی دیگر از فقها در اثبات حرمت آبزبان غیرمنصوص، چنین استدلال آورده‌اند که حلیت حیوانات آبی، منوط به قابل تذکیه بودن آنان است و در فرضی که قابلیت تذکیه مشکوک باشد، اصل عدم قابلیت تذکیه بوده و در نتیجه خوردن گوشت آن حرام می‌باشد (۱۴).

در پاسخ به چنین استدلالی باید گفت، اولاً حرمت حیوان به لحاظ عروض مرگ بدون تذکیه در فرضی است که حیوان ذاتاً حلال باشد، اما در حیوانات حرام گوشت، حرمت آنان ذاتی است نه آنکه به واسطه مرگ بدون تذکیه بر آنان عارض شده باشد؛ بنابراین به واسطه اصل عدم تذکیه نمی‌توان بر حرمت ذاتی حیوان حکم نمود (۳۲)؛ چراکه حرمت عرضی به واسطه تذکیه رفع می‌گردد و تردید در بقای حرمت ذاتی اساساً مشکوک است و از آنجا که چنین تردیدی، شبهه

از دیگر، ادله‌ای که این گروه بر دیدگاه خویش ارائه داده‌اند، موثقه عمار بن موسی از امام صادق (ع) می‌باشد. در این روایت چنین آمده: قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّبِيثَا فَقَالَ لَا تَأْكُلْهَا- فَإِنَّا لَا نَعْرِفُهَا فِي السَّمَكِ يَا عَمَّارُ الْحَدِيثُ (۳۵). با این بیان که در این روایت عبارت «لَا نَعْرِفُهَا فِي السَّمَكِ» علت حکم است؛ بنابراین در ارتباط با آبزبان غیر از ماهی، به نحو کلی، حکم به حرمت، ثابت می‌گردد (۱۴). اما چنین استدلالی با اشکال روبروست؛ چراکه اولاً عبارت «لَا تَأْكُلْهَا» صراحتی در حرمت ندارد. ثانیاً این روایت با آنچه بر حلیت «ربیثا» دلالت دارد در تعارض است (۲۷) بنابراین از باب جمع بین روایات، نهی روایت بر کراهت، حمل می‌گردد (۲۹). در نتیجه نمی‌توان به واسطه آن بر حرمت آبزبان غیر از ماهی، حکم نمود.

۴-۲-۲- مستندات حاکمیت اصله الاباحه بر موارد غیرمنصوص آبی

چنانچه ذکر گردید، برخی از آبزبان فقها در بحث آبزبان، حکم حرمت را صرفاً مختص به موارد خاصی دانسته‌اند که بر

از سوی دیگر این گروه از فقها بر این عقیده‌اند که در ارتباط با آبزبان، مواردی که نص خاص بر حلیت آنان موجود باشد، موارد اندکی چون ماهی پولک دار (۴۴)، و میگو (۳۷)، را شامل می‌گردد؛ بنابراین چنانچه بخواهیم عموماً و اطلاقات موجود در آیات و روایات را بر حلیت این گروه خاص از آبزبان، حمل نماییم و در بقیه آبزبان قائل به حرمت گردیم، با توجه به آنکه این گروه، بخش اندکی از آبزبان را شامل می‌گردد، چنین عملی مستلزم تخصیص اکثر بوده و امری مستهجن به شمار می‌رود (۲۷).

گرچه برخی دیگر از فقها بر این استدلال چنین ایراد نموده‌اند که عموماً این باب بر موردی حمل می‌گردد که صید آن معهود و متعارف است و از آنجا که عادتاً جز ماهی صید نمی‌گردد، در نتیجه استناد به این عموماً و حکم کردن بر حلیت ماهی فلس دار که بخش اعظم این مجموعه را شکل می‌دهد، تخصیص اکثر را به دنبال نخواهد داشت (۲۳، ۳۸).

اما به نظر، چنین تفسیری از عموماً و اطلاقات موجود در آیات و روایات، خلاف ظاهر آنان می‌باشد؛ بنابراین نیازمند قرینه است، در حالی که در این موضع، قرینه‌ای بر این امر نیست.

از سوی دیگر، گروهی از فقها، در این موضع، اجرای اصل حلیت را خلاف احتیاط دانسته‌اند (۲۷). در حالی که باید توجه داشت که که اولاً در این موضع، با وجود اطلاق و عموم آیات و روایات دال بر حلیت، مجالی برای تمسک به اصل عملی نمی‌باشد. ثانیاً مجرای اصل احتیاط، جایی است که اصل حکم ثابت شده باشد، حال آنکه در این موضع، اصل حرمت جز برای تعداد معدودی از آبزبان همچون خرچنگ، قورباغه و لاک‌پشت (۴۹)، ثابت نشده است؛ بنابراین در مواردی که اساساً حرمت آن مشکوک است و به تعبیر دیگر در شبهه حکمی نمی‌توان احتیاط را جاری نمود، بلکه این فرض، مجرای اصل برائت می‌باشد.

همچنین علاوه بر ادله مذکور از سوی فقهای مدعی حاکمیت اصالة الاباحه، مستندات دیگری نیز در جهت تأیید

عدم جواز خوردن آن در شرع، تصریح گردیده باشد و در غیر این موارد، حکم حلیت را ثابت شمرده‌اند. به تعبیر دیگر، ایشان اصل حاکم بر مسئله تغذیه از حیوانات دریایی را اصالة الاباحه شمرده‌اند. ایشان اطلاقات و عموماًتی که بهره‌وری از آبزبان را به نحو کلی مجاز دانسته‌اند، مویدی بر دیدگاه خویش می‌دانند. از جمله این اطلاقات، آیه ۹۶ سوره مائده می‌باشد. در این آیه شریفه چنین آمده: «أَحْلَلْ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعاً لَكُمْ».

آیه دیگر، آیه ۱۴ سوره نحل است که در آن چنین آمده: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا».

مطابق قول این گروه، اطلاق دو آیه فوق و آیات مشابه آن بر حلیت آبزبان به نحو کلی، دلالت دارد (۲۸، ۲۷).

علاوه بر آیات مزبور، ایشان چنین اطلاقی را از فحواً برخی از روایات نیز استنباط نموده‌اند. از آن جمله، صحیح زراره است، در این روایت چنین آمده: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْجَرِيثِ فَقَالَ وَ مَا الْجَرِيثُ فَنَعَتَهُ لَهُ فَقَالَ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أَوْحَى إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَعَامٍ يَطْعَمُهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ ثُمَّ قَالَ لَمْ يُحَرِّمَ اللَّهُ شَيْئًا مِنَ الْحَيَوَانِ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا الْخَنزِيرَ بَعِينَهُ وَ يُكْرَهُ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْبَحْرِ لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ مِثْلُ الْوَرَقِ وَ لَيْسَ بِحَرَامٍ إِنَّمَا هُوَ مَكْرُوهٌ (۳۶).

چنانچه از ظاهر روایت برمی آید، محرمت، مواردی معین و مشخص می‌باشد؛ بنابراین در غیر موارد منصوص باید بر جواز خوردن آن حکم نمود.

همچنین در صحیح محمد بن مسلم در این باره چنین آمده: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الْجَرِيثِ وَ الْمَارْمَاهِي وَ الزَّمِيرِ وَ مَا لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ أَوْ حَرَامٌ هُوَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَةَ الَّتِي فِي الْأَنْعَامِ - قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أَوْحَى إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَعَامٍ يَطْعَمُهُ قَالَ فَقَرَأَتْهَا حَتَّى فَرَّغَتْ مِنْهَا فَقَالَ إِنَّمَا الْحَرَامُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فِي كِتَابِهِ وَ لَكُنْتُمْ قَدْ كَانُوا يَعْفُونَ أَشْيَاءَ فَنَحْنُ نَعَاقِبُهَا (۳۶).

بر مبنای ظاهر روایت، محرمت، مواردی مشخص و منصوص می‌باشد؛ بنابراین در آنچه که خداوند بر حرمتش، تصریح نکرده، اصل بر حلیت است.

داشته باشد و این امر از امتنان خداوند بر بندگانش نشأت می‌گیرد (۴۲).

آیه دیگر در این مسئله، آیه ۱۷۲ سوره بقره می‌باشد. در این آیه شریفه چنین آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ».

چنانچه ملاحظه می‌گردد در آیه فوق، خداوند متعال، تغذیه از «طیبات» را به نحو کلی، مجاز شمرده است. نکته قابل ذکر در این مسئله آن است که میان مفهوم حلال و طیب، پیوستگی خاصی است، به نحوی که زمانی که از پیامبر گرامی اسلام، سوال می‌شود که حلال کدام است؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: طیبات، حلال می‌باشند: «يَسْتَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ» (مائده: ۴).

حال بر مبنای قول بسیاری از فقها و مفسرین، مراد از طیب در آیه فوق و آیات مشابه با آن چیزی است که انسان از آن لذت برده و مطبوع اوست؛ زیرا در این موضع در فرضی که مراد از طیبات را حلال شرعی بدانیم، فایده‌ای برای آن متصور نیست. گو اینکه در تفسیر آیه ۴ سوره مائده^{۱۹} که در بحث سابق بدان اشاره گردید، گفته شود، چه چیز حلال است و در جواب بگوییم: حلال!! (۱۷، ۴۳-۴۷).

علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن در این باره چنین ذکر نموده: از آنجا که دین خدا، مطابق فطرت انسان است، حلیت شرعی در آن، تابع حلیت عرفی می‌باشد. در نتیجه، خداوند متعال، انسان را مجهز به جهاز تغذیه، خلق نموده و به‌منظور قوام او حیوانات و گیاهانی را در زمین قرار داده که موافق با طبع انسان بوده و تغذیه از آن بر او حلال است (۴۸). به تعبیر بهتر می‌توان گفت، با توجه به آنکه اسلام، دینی است که بر پایه فطرت آدمی بنا نهاده شده است، در بحث ماکولات نیز معیار حلیت را موافقت آن با طبع انسان قرار داده و از این حیث خداوند متعال به خوردن طیبات، امر می‌کند.

در نتیجه، اصل در آنچه که طبع سلیم از آن لذت می‌برد، حلیت است مگر آنکه دلیلی بر خلاف آن باشد (۴۹-۵۲).

این مسئله وجود دارد که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

از جمله مستنداتی که می‌توان بر مسئله حاکمیت اصله الاباحه بر بحث آبزیان غیرمنصوص ارائه داد، آیاتی است که به طور مطلق بر جریان اصل حلیت در ماکولات دلالت دارد. از جمله این آیات، آیه ۲۹ سوره بقره می‌باشد. در این آیه شریفه چنین آمده: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...».

مطابق اذعان مفسرین، مفاد آیه شریفه بر حاکمیت اصل اباحه بر اشیاء دلالت دارد. از آن جهت که بر مبنای آیه مذکور، آنچه در زمین، خلق شده است به‌منظور انتفاع و بهره‌مندی بندگان می‌باشد (۳۹).

به تعبیر دیگر، آیه بر اصل اباحه انتفاع از هر آنچه در زمین است دلالت دارد، مگر آنچه با دلیل مستثنی گردیده باشد (۴۰).

آیه دیگر در این مسئله، آیه ۱۶۸ سوره بقره می‌باشد. در این آیه شریفه چنین آمده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا».

در شان نزول آیه فوق از ابن عباس چنین بیان گردیده است: بعضی از طوائف عرب همانند «ثقیف» و «خزاعه» و غیر آنها قسمتی از انواع زراعت و حیوانات را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند (حتی تحریم آن را به خدا نسبت می‌دادند) در نتیجه آیات فوق نازل شد و آنها را از این عمل ناروا بازداشت (۴۱، ۳۹).

بنابراین مفسرین بر این عقیده‌اند که آیه بر اباحه ماکولات دلالت دارد، مگر آنچه دلیلی بر حرمت آن وجود داشته باشد. همانگونه که دلیل عقلی نیز این امر را تأیید می‌نماید (۳۹).

برخی این امر را نشانه‌ای از امتنان الهی بر بندگان دانسته و در تفسیر آیه مزبور چنین آورده‌اند: از آیه چنین استنباط می‌گردد که خداوند متعال، اصل را بر حلیت و اباحه قرار داده است، مگر نسبت به آنچه که دلیلی صریح بر نهی آن وجود

^{۱۹} يَسْتَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ (مائده: ۴).

اما وجه تمایز و ویژگی‌های خاص هر یک، آنان را تحت گونه‌ای مستقل از دیگری قرار می‌دهد. این مسئله در تعیین حکم شرعی سرو این اقسام، نقش بسزایی دارد؛ چراکه شرع مقدس، میگو را نمونه‌ای حلال از آبزبان دانسته و در مقابل بر حرمت گوشت خرچنگ، تصریح نموده است، اما در ارتباط با لابستر (ام الروبیان) تصریح خاصی در منابع شرعی وجود ندارد. در نتیجه چنانچه لابستر را ملحق به میگو بدانیم، سرو آن حلال و در فرض الحاق آن به خرچنگ، سرو آن حرام می‌باشد. حال آنکه رده‌بندی متفاوت این گونه در علم جانورشناسی، مانع از چنین الحاقی است، بنابراین استنباط حکم سرو این گونه غیرمنصوص، منوط به بررسی اطلاعات و عموماً مبنی بر این مسئله و در فرض عدم آن، استمداد از اصول عملیه می‌باشد.

حال، با توجه به آنچه ذکر گردید، مستندات حاکمیت اصالة الحظر بر موارد غیرمنصوص آبزبان در جهت اثبات این امر، از اتقان کافی بهره‌مند نمی‌باشند، در حالی که در مقابل، مستندات قول مخالف، در جهت اثبات مدعا، متقن و کافی به شمار می‌رود. در نتیجه در ارتباط با لابستر به‌عنوان یکی از نمونه‌های غیرمنصوص آبزبان که در حال حاضر سرو و فروش آن امری رایج به شمار می‌رود، به صراحت می‌توان حکم حلیت را ثابت دانست.

در انتها باید به این مورد توجه نمود و با در نظر گرفتن اختلاف نظر موجود در مسئله سرو لابستر قطعاً تبعیت هر فرد از مرجع تقلید خویش امری ضروری است. از سوی دیگر، در رابطه با امور اجتماعی و کسب و کار در جامعه، همانند سایر امور، افراد موظف به تبعیت از قوانین و مقررات کشور می‌باشند. لذا «در این امر بخصوص» «در کشور ایران»، نظر نمایندگی ولی فقیه در شیلات بر کسب و کار مرتبط با آبزبان از جمله لابستر حاکم است.

تشکر و قدردانی

با تشکر از استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر علی تولایی که از ارشادات سودمندشان در تدوین این پژوهش بهره‌مند گردیدیم.

البته برخی در بحث حاضر، یعنی حیوانی که حلیت یا حرمت آن مشکوک باشد، اصل را بر حرمت نهاده‌اند و بر این عقیده‌اند که طیب، امری وجودی است (آنچه نفس از آن لذت می‌برد)؛ بنابراین در فرضی که حکم حلیت، معلق بر احراز این امر وجودی باشد، اصل بر عدم تحقق آن است مگر در فرضی که دلیلی متقن بر تحقق آن وجود داشته باشد (۵۳).

در پاسخ به این استدلال باید گفت که اولاً مطابق یکی از تفاسیر ارائه شده، طیب، امر وجودی به شمار نمی‌رود، بلکه عبارت از آنچه نفس از آن نفرت ندارد. در مقابل، خبیث، امری وجودی است و عبارت از چیزی است که نفس از آن نفرت دارد (۳۸، ۵۴-۵۶). بنابراین آنچه به امر وجودی، تعلق می‌گیرد حکم به حرمت است نه حلیت. ثانیاً بر فرض آنکه طیب را امری وجودی بدانیم، در مقابل چنانچه ملاحظه گردید، خبیث نیز امری وجودی است. بنابراین در فرضی که تردید در تحقق یکی از دو امر وجودی باشد که دو حکم متضاد به آن تعلق می‌گیرد، مرجع اصول عملیه می‌باشد که در این موضع، اصل حلیت جاری می‌گردد نه استصحاب حرمت (۳۴، ۵۷-۵۹). علاوه بر ادله مزبور، یکی از مهم‌ترین مستنداتی که می‌توان بر حاکمیت اصل اباحه در این مسئله ارائه داد، قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان می‌باشد. با این تقریر که بر مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان، ممنوعیت انتفاع، نیازمند دلیل می‌باشد و چنانچه تصرفی، حرام بوده و بدون بیان، نسبت به آن عقاب صورت پذیرد، این امر، قبیح به شمار می‌رود. در نتیجه حرمت شرعی ماکولات نیز نیازمند دلیل است و در جایی که ادله شرعی صرفاً به برخی از نمونه‌های حرام آبزبان اشاره نموده‌اند، این نهی شرعی را نمی‌توان به موارد غیرمنصوص نیز تسری داد؛ چرا که فرض بر آن است که شارع حکیم در مقام بیان است و در فرض حرمت موارد دیگر، لازم است به آن اشاره نماید.

نتیجه‌گیری

چنانچه ملاحظه گردید، از حیث جانورشناسی، اگرچه میان لابستر، میگو و خرچنگ، تشابهاتی به چشم می‌خورد،

ملاحظات اخلاقی

این مقاله، منتج از طرح تحقیقاتی «واکاوی فقهی حریت مصرف حیوانات آبی» (کد طرح: ۴۷-۱) با حمایت مرکز تحقیقات حلال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

تضاد منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع نویسندگان و محققان در تضاد نمی‌باشد.

References

1. <https://www.sistani.org/persian/qa/search/11126> (Accessed 2021/05/29)
2. Tabrizi J. Serat Al Nejat. Qom: Dar al- Sedighat al- Shahid; 2006. (5) 407. [In Arabic]
3. Booth JD, Phillips BF. Early Life History of Spiny Lobster. *Crustaceana*. 1994; 66 (3): 271-94. <https://doi.org/10.1163/156854094X00035>
4. FAO. 1981. Species Identification Sheets for Fishery Purposes. Available from: <http://www.fao.org/3/ad468e/ad468ePL.pdf> (Accessed 2021/05/29)
5. Berry PF. The Biology of The Spiny Lobster *Panulirus Homarus* (Linnaeus) of The East Coast Southern Africa. Durban: Oceanographic Research Institute; 1971. 28, 175.
6. Martine JW, Davis GE. An Updated Classification of The Recent Crustacea. *Natural history museum of Los Angeles*. 2001; 39(2):1-124.
7. De Freitas AJ. The Penaeoidea of southeast Africa. IV, the family Penaeidae: Genus *Penaeus*. South African Association for Marine Biological Research. Durban: Oceanographic Research Institute; 2011. 125.
8. Creed R. *Encyclopedia of Inland Waters*. USA: Appalachian State University Boone; NC; 2009. 271-9.
9. Anacleto P, Maulvault, AL, Barbosa V, Nunes ML, Marques A. Shellfish: Characteristics of Crustaceans and Mollusks. *The Encyclopedia of Food and Health*. Oxford: Academic Press; 2016. 4: 764-71.
10. Montazeri H.A. Resaleh Esteftaat. Qom: Tafakkor Publication: 1994. (3) 437. [In Persian]
11. Khamenei A. Esteftaat. 2021. 97. [In Persian]
12. Makarem N. Esteftaat Jadid. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications; 2006. (1) 281. [In Arabic]
13. Helli Y. Al Jame Lelsaharae'e. Qom: Moasseseh Seyyed Al Shohada; 1985. 380. [In Arabic]
14. Najafi M. H. *Jawaher Al Kalam*. Beirut: Dar Al Ehya Al Tarath Al Arabi; 2010. 241- 2. [In Arabic]
15. Mofid M. Al Moghnaeh. Qom: Sheikh Mofid Millennium World Congress; 1993. 576. [In Arabic]
16. Tusi M. Al Nahayeh. Beirut: Dar Al Ketab Al Arabi; 1980. 576. [In Arabic]
17. Helli A. Al Mohazzab Al Bare. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1987. (4) 183, 185. [In Arabic]
18. Ibn Edris M. Al Saraer Al Havi. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1990. (3) 98- 99. [In Arabic]
19. Mohaghegh Helli J. Qom: Sharae'e Al Islam. Moaseseh Ismailian; 1998. (3) 169. [In Arabic]
20. Helli H. Irshad Al Adhan. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1990. (2) 111. [In Arabic]
21. Ameli Z. Al Rozah Fi Sharh Al Lomah. Qom: Davari Bookstore; 1990. (7) 263. [In Arabic]
22. Fazel Abi H. *Kashf Al Romuz Fi sharhe Mokhtaser Al Nafe*. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1997. (2) 360. [In Arabic]
23. Tabatabaee A. Riyaz Al Masael. Qom: Muasseseh Ahlol Bayt; 1998. (13) 361- 362. [In Arabic]
24. Makarem N. Anwar Al Feghaha- *Ketab Al Nekah*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications; 2004. [In Arabic]
25. Sistani A. *Menhaj Al Salehin*. Mashhad: Payame toos; 2018. [In Arabic]
26. Ardebili A. *Majma Al Faedeh va Al borhan*. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1983. (11) 189. [In Arabic]

- 27 .Naraghi A. Mostanad Al Shiah. Qom: Moaseseh ahlol bayt; 1995. (15) 59, 61- 62. [In Arabic]
- 28 .Yazdi M. Fiqh Al Quran. Qom: Muasesah Ismailian; 1995. (4) 284. [In Arabic]
- 29 .Rohani S. Fiqh Al Sadeqh. Qom: Dar al- ketab; 1991. (24) 102- 5. [In Arabic]
- 30 .Tusi M. Al Khalaf. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1987. (6) 29. [In Arabic]
- 31 .Halabi H. Ghonyay Al Nozoo. Qom: Moasseseh Imam Sadegh; 1997. 618. [In Arabic]
- 32 .Khansari A. Jame Al Madarek. Qom: Muasseseh Ismailian; 1985. (5) 136-7. [In Arabic]
- 33 .Amoli M.H. Al Maalem Al Masureh. Qom: Moallef; 1986. (2) 58. [In Arabic]
- 34 .Amoli M.T. Mesbah Al Hoda. Tehran: Moallef; 1961. (1) 314. [In Arabic]
- 35 .Hor Ameli M. Vasael Al Shiah. Qom: Moasseseh Ahlol Bayt; 1989. (24) 140. [In Arabic]
- 36 .Tusi M. Al Estebsar. Tehran: Dar Al Kotob Al Islamiyah; 1970. (4) 60. [In Arabic]
- 37 .Tusi M. Tahzib Al Ahkam. Tehran: Dar Al Kotob Al Islamiyah; 1987. (9) 13. [In Arabic]
- 38 .Haeri MM. Ketab Al Manahel. Qom: Moasseseh Al Albayt; 2009. 620. [In Arabic]
- 39 .Tabarsi F. Majma Al Bayan fi Tafsir Al Quran. Beirut: Muasseseh Al Alami; 1995. (1) 144. [In Arabic]
- 40 .Sadr Al Din Shirazi M. Tafsir Al Quran. Qom: Bidar Publication; 1987. (2) 277. [In Arabic]
- 41 .Makarem N. Tafsir Nemouneh. Tehran: Dar Al Kotob Al Islamiyah; 1995. (1) 568. [In Persian]
- 42 .Sivari F. Kanz Al Irfan. Qom: Islamic Propaganda Office; 2006. (2) 298. [In Arabic]
- 43 .Ravandi Gh. Fiqh Al Quran. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi; 1985. (2) 262. [In Arabic]
- 44 .Ameli Z. Masalek Al Afham. Qom: Musseseh Al Maaref Al Islamiyah; 1993. (12) 9. [In Arabic]
- 45 .Khafaji A. Hashiyah Al Shahab Ala Tafsir Al Bayzavi. Beirut: Dar Sader; 2008. (4) 224. [In Arabic]
- 46 .Razi M. Mafatih Al Ghayb. Beirut: Dar Al Ehya Al Tarath Al Arabi; 2000. (5) 185. [In Arabic]
- 47 .Tusi M. Al Mabsut. Tehran: Al Maktabah Al Razaviyah; 1968. (6) 279. [In Arabic]
- 48.Tabatabaei M.H. Al Mizan Fi Tafsir Al Quran. Qom: Manshurat ismailian; 1984. (12) 364. [In Arabic]
- 49 .Zohaili V. Al Tafsir Al Minir. Damascus: Dar Al Fekr Al Moaser; 1998. (9) 126. [In Arabic]
- 50 .Namani O. Al labab Fi oloum Al Ketab. Beirut: Dar Al Kotob Al Elmiyah; 1999. (9) 343. [In Arabic]
- 51 .Neysaburi N. Gharaeb Al Quran Va Raghaeb Al Forghan. Beirut: Dar Al Kotob Al Elmiyah; 1996. (3) 329. [In Arabic]
- 52 .Ghanouji M. Fath Al Bayan Fi Maghased Al Quran. Beirut: Al Maktabat Al Asriyah; 1992. (5) 35. [In Arabic]
- 53 .Naeeni MH. Ketab Al Salat. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1991. (1) 313. [In Arabic]
- 54 .Kazemi J. Masalek Al Afham Ela Ayat Al Ahkam. Tehran: al- Maktabat al- Mortazaviyah; 1986. (4) 146. [In Arabic]
- 55 .Andolosi M. Al Bahr Al Mohit Fi Tafsir, Beirut: Dar Al Fekr; 2000. (4) 179. [In Arabic]
- 56 .Abi Masud M. Ershad Al Aghl Al Salim Ela Mazaya Al Ketab Al Karim. Beirut: Dar Al Ehya Al Tarath Al Arabi; (3) 7. [In Arabic]
- 57 .Langeroudi M. Al Rasael Al Salas. Qom: Matbaat al- Islam; 2001.185- 186. [In Arabic]
- 58 .Araqi A. Al Maalem Al Zolfa. Qom: Al Matbaah Al Elmiyah; 1961. 262- 263. [In Arabic]
- 59 .Khomeini R. Ghaedah Adam Al Tazkiyah Va Al Maysour.Tehran: Imam Khomeini Publishing; 2006. (2): 119- 120. [In Arabic]

The ruling of serving lobster in Islamic societies

Mahdiye Ghanizade^{1*}

1- Graduate of the Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 30 May 2021

Acceptance: 16 June 2021

Keywords:

Lobsters

Shrimp

Crabs

Non-Prescribed

Jurisprudential Aquatic

Animals

Solubility

Sanctity



Use your device to scan and read the article online



ABSTRACT

Introduction: In today's society, one of the seafood served in some restaurants is lobster. However, it is not permissible according to the Shia religion and some Sunni religions, and it is only allowed to be used in some Islamic religions. Therefore, in some Islamic countries, this crab is found in restaurants. But in Iran, according to the rules of the country and Jafari Shia jurisprudence is not allowed. However, according to the famous saying of the jurists, the halal quality of aquatic animals is limited to scaly fish and shrimp.

Methods: As a result, due to the special need to study this issue, the present study has explained this in a descriptive-analytical manner.

Results: The findings of the present study indicate that the independent nature of lobster compared to shrimp and crabs, is among the unspecified aquatic animals in religious jurisprudence.

Conclusion: As a result, if we consider lobster as a different nature of these species, then, according to the famous saying, its halal properties is problematic. Consequently, serving lobster while it has haraam quality is an example of ignoring the sharia rules in Islamic society.

Citation (Vancouver): Ghanizade M. The ruling of serving lobster in Islamic societies. Spring 2021; 4(1):13-23. [In Persian]
<https://doi.org/10.30502/h.2021.287804.1074>

*Correspondance to: Mahdiye Ghanizade, Email: mahdiye_ghanizade@yahoo.com, Tel: +98-09133518406